

کمپیوتر - اینترنت - و روشنفکران ما

.....امیر هوشنگ برزگر

amirhooshangbarzegar@yahoo.com

گفته بودند، (آن وقت که PC تازه داشت رونق می گرفت) در آینده ای نزدیک، دیگر سواد نداشتن، به دانستن یا ندانستن خواندن و نوشتن تنها نیست، بلکه به توانستن یا نتوانستن کار با کمپیوتر نیز هست. و آخرین به آن افزوده شده است، بهره گیری از فضای لایتناهی (اینترنت). و اینک این نظر و گفته دارد به قانون تبدیل می شود. آگاهی نداشتن و به کار نگرفتن کمپیوتر و بهره گیری از اینترنت، معادل است با بیسوادی. (لاقلاً برای بین المللی بودن) شدن.

شما در تمام ۲۴ ساعت، هر لحظه که اراده کنید، می توانید به سراغ سایت های خبری بر روی اینترنت بروید، (و منتظر روزنامه صبح یا عصر نباشید چون هر وقت بروید سراغ کمپیوتر، گوشه ای از دنیا صبح یا عصر است.) و از تازه ترین آنها آگاه شوید. و عکس های خبری را ببینید. اگر نتوانید از این بیکران اقیانوس بهره بگیرید، و پا به پای سایر مردم دنیا باشید، خب بیسواد محسوب می شوید.

یک کتاب چاپی را حتا در محدوده ایران چند نفر می خوانند؟
یک کتاب چاپی در محدوده ایران، چه زمانی بایستی در نوبت چاپ باشد؟
چه هزینه ای دارد؟

و از همه مهمتر، تا به چاپ برسد، سانسور چه بلائی سرش آورده است؟ و آنچه که به دست خواننده می رسد، حتا اگر شیر باشد، آیا یال و دم و اشکمی برایش باقی مانده است؟
با توجه به این مسائل، و با این آگاهی که سرعت توزیع و امکان دسترسی خواننده به هر کتابی از مسیر اینترنت، قابل قیاس با شرایط و امکانات سنتی نیست.
آیا باز زیبنده است که نویسنده پیشکسوت و صاحب نامی بگوید:

(اینترنت را نمی شناسم، و با آن سروکار ندارم)

به گمان من، بیان چنین نظر و حرفی، یا یک نوع پز است که از صفات برج عاج نشینی است. یا تنبلی و خستگی است. و یا عدم علاقه به بیرون گذاشتن پا، از دایره بسته ای است که در آن حیرانیم. و به احتمال جمع همه این هاست.

بر هر کتاب چاپی بیشترین نقد را میتوان بر روی اینترنت یافت. و سر و کار نداشتن با این پدیده شگرف، در یک کلمه « عقب ماندگی است »
ادای دیگر، این است:

(اینترنت، مال جوان هاست)

وای از دست این ژست های صدتا یک غاز روشنفکرمانه!

این بیان نه شکسته نفسی که، بی اطلاعی و بدتر، بیسوادی است.

لغت نامه های ملی « [Encyclopedia](#) » همه ملت ها بر روی اینترنت هست. علاوه بر آن، شما می توانید از (شیر گنجشک تا جان آمیزاد) بر روی اینترنت بیابید. از ادبیات تا نجوم، از کیمیاگری تا انواع سبک های ادبی، از موسیقی « همه نوعش »، تا تمامی سبک های نقاشی...گفتم:

از شیر گنجشک! تا جان آدمیزاد!

اینترنت را نمی شناسی و با آن سرو کار نداری؟ چرا؟ مگر بعنوان یک مرجع حق چنین کاری را

داری؟

(مال جوان هاست؟)

مگر در یک محفل خانوادگی از شما خواسته اند آواز بخوانید، (که از شما گذشته و مال جوان هاست)

این جو موجود است که چنین ثمرنامطلوبی داده است، یا خصلت روشنفکری است که نمی گذارد از دیوار تنیده شده « افاده » پا بیرون گذاشت؟ هر چه هست، پاسخش فقط یک آه است.
